

خدا کسی است که پیشاپیش تو می رود

یوشع ۳، ۵ تا ۱۱ و ۱۷



سپس یوشع به قوم گفت: «خود را تقدیس کنید، زیرا فردا خداوند در میان شما کارهای شگفت‌انگیز خواهد کرد» 6. «و به کاهنان گفت: «صندوق عهد را برگزید و پیشاپیش قوم بروید.» پس ایشان صندوق عهد را برگرفته، پیشاپیش قوم روانه شدند. 7 و خداوند یوشع را گفت: «امروز به بزرگ ساختن تو در برابر چشمان تمامی اسرائیل آغاز خواهم کرد تا بدانند چنانکه با موسی بودم، با تو نیز خواهم بود» 8. پس تو کاهنانی را که صندوق عهد را می‌برند امر کرده، بگو: «چون به کنارهٔ آبهای اردن رسیدید، در اردن بایستید» 9. «و یوشع بنی‌اسرائیل را گفت: «نزدیک آمده، به سخنان یهوه خدایتان گوش فرا دهید» 10. «و یوشع گفت: «از این خواهید دانست که خدای زنده در میان شماست، و او به یقین کنعانیان، حیتیان، حویان، فرزیان، جرجاشیان، آموریان و یبوسیای را از پیش روی شما بیرون خواهد راند» 11: هان، صندوق عهد خداوندگار تمامی زمین پیشاپیش شما به اردن داخل می‌شود.

کاهنانی که صندوق عهد خداوند را می‌بردند، در میان رود اردن بر زمین خشک بی حرکت ایستادند، و اسرائیل همگی بر زمین خشک عبور کردند تا تمامی قوم کاملاً از اردن گذشتند.

کالیب یکی از اسرائیلی‌های خوش‌شانسی بود که توانست به اردن رسید. مردم اسرائیل برای ۴۰ سال خشکسالی، گرسنگی، تشنگی را تجربه می‌کردند. و حالا بالاخره رسیده بودند. کالیب تنها کسی بود که همراه با یوشع به آن هدف رسید. دیگران که در گذشته از مصر فرار کرده بودند، مرده بودند. کالیب حالا یک پیرمرد شده بود. اما این بزرگترین مشکل او نبود. بزرگترین مشکل رودخانه ی اردن بود که در طول فصل بارندگی غیر عبور بود. برای کالیب روشن بود که نمی‌توان از این رودخانه عبور کرد. نه حتی با ماهرترین پل‌سازی. اوضاع کاملاً ناامیدکننده بود. و کالیب فکر کرد... «و اگر از رودخانه عبور کنیم، فقط نیم کاره است. زیرا در سوی رودخانه دیگری، مردمان نیرومند بیشماری وجود داشتند که می‌خواستند بنی اسرائیل را غلبه کنند.» در حالی که کالیب هنوز در فکر فرو رفته بود، ناگهان صدای دوستش یوشع به صدا درآمد. و کالیب به سختی می‌توانست آنچه را که می‌شنید باور کند. یوشع همه کاهنان را جمع کرد و به آنها دستور داد که صندوق عهد را همراه با ۱۰ فرمان به اردن ببرند. دقیقاً انگار که به مراسم دعا می‌رفتند. کالیب فکر کرد: «این اصلاً برای چه دلیل است؟» برای عبور از رودخانه به مردان قوی یا حداقل پل ساز نیاز دارید. و از طرف دیگر شما به بهترین رزمندگان نیاز دارید. کاهنان از این همه چه می‌فهمند؟ آنها نمی‌توانند در برابر آب‌های قوی کاری انجام دهند. اما کالیب در طول دوران سرگردانی خود در بیابان چیزهای زیادی را تجربه کرده بود. وقتی مردم قوی را در آن سوی رودخانه دید، او بود که مردم را تشویق کرد که از شجاعت دست برندارند، زیرا خداوند راهی را باز می‌کند. برای همین با خودش فکر کرد. «بهتر است آن رویداد از دور تماشا کنم و ببینم چه خبر است؟» مردم بایستی دقیقاً راه کاهنان را دنبال کنند. دقیقاً مثل اینکه آنها به طور جدی نشان می‌دهند که از این خدای ۱۰ فرمان پیروی می‌کنند و دقیقاً همان چیزی را که این خدا می‌خواهد انجام می‌دهند. این صُوف الهام بخش کالیب بود. با خودش فکر کرد. «این چیز خاصی است!» او خیلی آرام شروع به خواندن آهنگی در مورد نجات خدا کرد و شنید که دیگران با هم آواز می‌خوانند. و بعد دید که این اتفاق افتاده است: لحظه‌ای که کاهنان به کنار آب آمدند، آب‌های قوی اردن مانند دیوار ایستاده بود. و رودخانه دقیقاً همان جایی که کاهنان ها بودند باقی ماند و کاملاً خشک شد. کاهنان حرکت کردند. مردم به دنبال آنها رفتند. این صحنه از قومی که از خدا پیروی می‌کنند خیلی عجیب بود. کالیب در سرزمین موعود بسیار بیشتر تجربه خواهد کرد. حتی زمانی که او ۸۵ ساله بود، گفته می‌شد که او هنوز با قدرت به خدای یگانه‌ای که ۱۰ فرمان را داده بود، خدمت می‌کرد. کالیب همیشه در قلبش این را حفظ می‌کرد که خدا پیشاپیش مردم می‌رود. او این کار را زمانی انجام داد که بنی‌اسرائیل را از دریای سرخ هدایت کرد، و زمانی که بنی‌اسرائیل را از طریق اردن هدایت کرد. و بارها پس از آن این کار را انجام داد. خدا خدایی است که پیشاپیش می‌رود. کالیب هنوز در سال‌های آخر عمرش در مورد آن فکر می‌کرد.

داستانی که در بالا از دیدگاه کالیب توضیح دادم، به ما نشان دهد که عبور بنی اسرائیل از اردن چقدر خاص بود. در واقع، می توان گفت که عبور بنی اسرائیل از دریای سرخ از یک سو و عبور از اردن از سوی دیگر، نوعی مرز را تشکیل می دهد که دوره بیابانگردی را در بر می گیرد. این زمان سرگردانی در بیابان در کتاب مقدس به عنوان دوره آزمایش برای بنی اسرائیل توصیف شده است. در این مدت آنها ده فرمان را نیز دریافت کردند که نه تنها اراده اصلی خدا را برای یهودی ها تشکیل می داد، بلکه اراده اصلی را برای همه مردم تشکیل می داد. عبور از اردن و به ویژه تجربه و اعتقاد بنی اسرائیل به اینکه خدا پیشاپیش می رود، درس مهمی برای آنها بود. باید بدانند که در تمام خطر ها و در تمام چالش های غیرممکن، خداوند پیشاپیش می رود. خداوند نه تنها مردم از آب های خطرناک حفظ می کند، بلکه در سایر شرایط نیز هدایت می کند. امروزه این اصطلاح «عبور از اردن» معنای منفی دارد. معمولاً وقتی متوجه می شویم که یک نفر بیمار غیر درمان دارد و در حال مرگ است، این را می گوئیم. برای بیشتر مردم، اصطلاح «عبور از اردن» به معنای چیزی منفی یا ترسناک است. اما نباید فراموش کنیم که در مورد یوشع، کالیب و بنی اسرائیل هم همینطور بود. آب و مردمان خطرناکی که در مقابل آنها ایستاده بودند، واقعاً به همه روشن کرد که نیروی انسانی در پایان قدرت و امکاناتشان قرار دارد. بنابراین، اگر منظور ما این باشد که نیروی انسانی در اینجا به پایان می رسد، این اصطلاح «عبور از اردن» به درستی درک می شود. خود این واقعیت که یوشع از کاهنان و صندوق عهد استفاده می کند نشان می دهد که مردم در این مرحله بی توان هستند و خدا باید کمک کند. بنی اسرائیل بایستی یاد می گرفتند تا نتوانند به نیروی خود، بلکه بر خدا تکیه کنند. خدایی که هر چقدر هم که شرایط بد باشد همیشه پیشاپیش آنها می رود. بنی اسرائیل مجبور شدند ۴۰ سال در بیابان سرگردان باشند. شاید برخی از مردم در این زمان فراموش کرده بودند که خدا در واقع همیشه آنجاست. شاید برخی حتی فکر می کردند که کل زمین موعود اشتباه بوده و پدرانشان به سادگی فریب خورده اند. اما روزی که با کاهنان از اردن عبور کردند، همه چیز روشن بود. معلوم بود که خداوند به وعده هایش عمل می کند و معلوم شد که خداوند همیشه پیش می رود. مهم نیست که شرایط چقدر بد باشد.

وضعیت بنی اسرائیل در مقابل رودخانه خطرناک موقعیت بسیار تکان دهنده ای است که همه ما می توانیم با آن ارتباط برقرار کنیم. می دانیم که بنی اسرائیل پس از عبور کردن این رودخانه هنوز به مقصد نرسیده بودند. چالش های بسیار بیشتری در پیش آنها بودند. آنها بارها از ایمان به خدا دور شده اند. در نهایت آنها دوباره سرزمین موعود را از دست خواهند داد. بنابراین آخرین عبور از اردن نبود. خیلی بیشتر باید اتفاق بیفتد. و با این حال داستان ما را به حرکت در می آورد و می تواند به ما کمک کند تا در بسیاری از موقعیت ها مداخله خدا را در زندگی خود ببینیم. برای برخی از ما، تعمیم خود گامی به سوی هدف ناشناخته و خطرناک است. در واقع غسل تعمید به این معناست که در ایران یا افغانستان کسی را اعدام کرد. برخی از مردم از خود می پرسند: "و اگر همه چیز در مورد غسل تعمید اشتباه باشد چه اتفاق برای من خواهد افتاد؟ اگر غسل تعمید فقط اختراع کلیسا باشد، چه می شود؟ و ما می توانیم به همان اندازه که بنی اسرائیل از طریق صندوق عهد به حضور خدا اعتماد کردند، به خدا توکل کنیم. هر یک از ما ممکن است بتوانیم تجربه خود مان را از صندوق عهد به اشتراک بگذاریم. پزشک ممکن است یک بیماری بسیار جدی و خطرناک را تشخیص دهد. این بیماری ناگهان همه برنامه ها ی آینده را خنثی می کند. و ناگهان بیماری مانند آبهای اردن در مقابل شما قرار می گیرد و شما را از برداشتن یک قدم به جلو باز می دارد. حتی در این شرایط می توانیم بدانیم که خدا پیشاپیش می رود. ۴۰ سال سرگردانی بنی اسرائیل در صحرا با دو تجربه نجات همراه است که در آن خدا پیشاپیش بنی اسرائیل به آب راه رفت. تصادفی نیست که عیسی قبل از شروع خدمت عمومی خود در همین آبهای اردن تعمید یافت. همچنین تصادفی نیست که بلافاصله پس از آن عیسی به مدت ۴۰ روز در صحرا روزه گرفت و مورد وسوسه شیطان قرار گرفت. زیرا همانطور که کاهنان در عهد عتیق با ۱۰ فرمان از ما پیشی گرفتند، عیسی نیز در عهد جدید از ما پیشی گرفت. او در غسل تعمید از ما پیشی گرفت و بدین وسیله به ما نشان داد که آدم گناه غرق خواهد شد. عیسی برای بار دوم به اعماق رفت. و این زمانی بود که برای شکست دادن شیطان به اعماق جهنم رفت. با این کار، عیسی به ما نشان می دهد که درست مانند قوم اسرائیل، پیش از ما می رود. مرگ مانعی غیرقابل عبور برای همه ماست. و با این حال می دانیم که حتی در این حد، عیسی پیش می رود و راه را برای ما باز می کند. کالیب وقتی به سرزمین موعود رسید پیرمردی بود. و با این حال در مورد او گفته می شود که او همیشه به خدا وفادار ماند. ممکن است تجربیات نجات از گذشته یک زندگی کامل را شکل دهد. ما می توانیم این تجربیات را در قلب خود نگه داریم و بارها و بارها آنها را به خود یادآوری کنیم. و به همین دلیل است که ما امروز اینجا هستیم تا کلام خدا را در مورد نجات و رستگاری از طریق عیسی مسیح بشنویم و بتوانیم در نجات او شرکت کنیم. نجاتی که از قبل برای ما آماده است. آمین